جامعة المصطفى العالمية
Al-Mustafa International University
مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث



پژوهش‌نامه علوم حدیث تطبیقی ، سال هفتم، شماره ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، ص: ۱۱۱ـ۱۲۸
Journal of Comparative Hadith Sciences, Autumn and Winter 2021, 7(13), P: 111-128

مقاله پژوهشی

# چرایی ارسال اسناد شیعی روایات پیامبرﷺ در کتب اربعه*

علی فرهمندیان[1]

## چکیده

اسناد احادیث پیامبرﷺ در کتب اربعه، به شکل‌های گوناگونی ثبت شده است. یکی از این گونه‌ها، اسنادی است که راوی شیعیِ غیر معصوم و غیر معاصرِ آن حضرت، از ایشان حدیثی نقل کند؛ این نوع از احادیث، «مرسل» نام دارند. ضرورت پژوهش در این‌گونه اسناد بدین سبب است که بررسی و تحلیل چرایی ارسال موجب اعتماد پیداکردن به برخی از احادیث مرسل می‌شود و زمینه‌ساز برای پاسخ‌گویی به شبهه کم‌توجهی شیعه به اتصال سند است. مأموریت پژوهش حاضر، کشف چرایی اسناد مرسل شیعی احادیث پیامبرﷺ در کتب اربعه و هدف آن، ارائه تحلیلی از چرایی ارسال این اسناد می‌باشد. بسترسازی برای رسیدن به برخی آثار علم‌الحدیثی مانند روش‌شناسی محدثانِ متقدم و اعتبارسنجی اسناد روایات از فواید این مقاله به حساب می‌آید. این مقاله توانسته با بررسی طبقهٔ روات، موضوع و محتوای روایات و ارائه نُه دلیل و تحلیل آن، از چرایی ارسال اسناد شیعی روایات پیامبرﷺ پرده‌برداری کند؛ احراز صحت متن و غیرفقهی بودن روایت نزد صاحبان کتب اربعه، ذکر سند در کتب دیگر مؤلف، اعتماد به کتاب راوی اول و... از نتایج این تحقیق است.

**واژگان کلیدی:** احادیث نبوی، حدیث مرسل، راویان شیعه، اعتبارسنجی روایات، سندشناسی.

---

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۶ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۰۴/۱۵.

۱. دانش‌آموخته سطح چهار حوزه، مدرس گروه علوم حدیث، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعة المصطفى العالمية، قم: farahmandianali@gmail.com.

## مقدمه

کتب اربعه بیش از ۴۱۰۰۰ حدیث در خود ثبت کرده[۱] و از حیث سند، دارای گونه‌های مختلفی است. تعدادی ازاین‌روایات از رسول گرامی اسلامﷺ صادر شده است. شیعیان و سنّیان، راویان احادیث آن حضرت هستند. در اسناد شیعه، امامان معصومﷺ و صحابه پیامبرﷺ و اصحاب ائمهﷺ از رسول خدا روایت نقل می‌کنند. در اعتقاد شیعه، روایت امام معصوم از آن حضرت، هرچند هم‌عصر نباشند، حجت است؛ اما حکایت حدیث رسول‌اللهﷺ از جانب اصحاب ائمه که معاصر آن حضرت نیستند، سند را دچار خلل می‌کند و در حجیت آن تردید ایجاد می‌شود. این نوع از سند به «سند مرسل» معروف است.[۲] در کتب اربعه، ٤٤ سند شیعیِ غیرمعاصرِ پیامبرﷺ، سخنان آن حضرت را نقل کرده‌اند. البته منظور از شیعی‌بود ن سند در این تحقیق، این است که همه راویان یک سند و یا حداقل راوی اول که ناقل مستقیم سخن پیامبرﷺ است، شیعه باشد.

اعتبار و یا عدم اعتبار احادیث مرسل، به شناخت فلسفهٔ ارسال در تک‌تک روایات بستگی دارد و چه‌بسا روایتی که تاکنون ضعیف شمرده شده، با پیگیری و پاسخ به چرایی ارسال سند آن، به حدیث قابل‌اعتماد تبدیل گردد. همچنین محدثان شیعه متهمِ به رویگردانی از اتصال سند احادیث پیامبرﷺ هستند (منهاج السنة النبویه، ابن‌تیمیه، ۱٤۰٦: ۲٤/۷)[۳] که لازمهٔ جواب به آن، تحلیل و علت‌یابی ارسال احادیث است. برای پاسخ به این دغدغه، مؤلفه‌هایی مانند توجه به اسناد احادیث، توصیف و طبقهٔ راویان، موضوعِ روایات، توجه به محتوای حدیث و قراین تاریخی را باید در نظر گرفت. مباحث پیشِ رو با درنظرگرفتن همهٔ شاخصه‌های ذکرشده، به تحلیل چرایی ارسال اسناد احادیث پیامبرﷺ در کتب اربعه پرداخته است. هدف از این پژوهش، علت‌یابی ارسال اسناد شیعی روایات پیامبرﷺ در کتب اربعه است. از فواید این موضوع، روش‌شناسی صاحبان کتب اربعه در نقل احادیث و اعتبارسنجی اسناد است. هرچند مقاله یا کتابی به‌صورت مستقل با رویکرد پاسخ به چرایی ارسال در احادیث نبوی نوشته نشده، اما کتاب «بررسی اعتبار احادیث مرسل» از محمدحسن ربانی، به نُه علت در چرایی ارسال احادیث مرسل پرداخته که تحلیل و فرضیه‌های مقالهٔ حاضر به‌جز دو مورد، با آن متفاوت است. لازم به ذکر است محدودهٔ پژوهش پیشِ رو اسناد منقطع شیعی می‌باشد. این پژوهش ارسال اسناد شیعی از ناحیهٔ سه عاملِ «صاحبان کتب اربعه»، «راوی اول متصل به پیامبرﷺ» و «عامل‌های خارجی» بررسی می‌کند.

Journal of Comparative Hadith Sciences, Autumn and Winter 2021, 7(13), P: 111-128
'Why Shiite narrations of the Holy Prophet in "four books" are mursal (munqati)
Ali Farahmandian

## الف) ارسال اسناد توسط صاحبان کتب اربعه

بررسی مرسلات اسناد احادیث پیامبرﷺ در کتب اربعه و شناخت راویان این اسناد و محتوای روایات نشان می‌دهد، گاهی ارسال در سند از سوی صاحبان کتب اربعه است. این کار علت‌های متفاوتی دارد که عبارت‌اند از:

### ۱. اعتماد به کتاب راویِ احادیث پیامبرﷺ [۴]

یکی از روش‌های محدثان متقدم در قبول یا ردّ حدیث، بر اساس منبع مکتوب بوده است. این روش سبب می‌شد محدثان گذشته برای انتخاب حدیث، به منابعی که از اساتید و مشایخ خود دریافت و یا استنساخ کرده‌اند، رجوع کنند و کتاب حدیثی خود را بنگارند (روضة المتقین، مجلسی محمدتقی، ۱٤۰٦: ۲۳۹/۱٤). این سبک، در نگارش صاحبان کتب اربعه نیز مشهود است.[٥] موضوعیت یافتن کتاب در نقل و ارزیابی حدیث را باید در فرهنگ حدیثی شیعه جستجو کرد (الکافی، کلینی، ۱۳٦٥: ۱/ ٥۳/ ۱٥؛ الغیبة (طوسی)، ۳۹۰؛ رجال النجاشی، نجاشی، ۱٤۰۷: ٤٤۷). هم‌چنین ارزیابی مجموعه‌های مکتوب در کتب فهرست و رجال دلیل دیگر فرهنگ انتقال از راه کتاب است. به همین دلیل در بین علمای شیعه فهرست نویسی در حد وسیع دیده می‌شود (معیار اعتبارسنجی روایات از منظر قدما، شاه‌حسینی، ۱۳۸۹: ۲۰٤).

در اسناد شیعی و منقطع روایات پیامبرﷺ، ۳٥ راویِ مستقیمِ حدیث آن حضرت، صاحب کتاب و اصل هستند[٦] که آثار آنان در کتب فهرست گزارش شده است.

شیوهٔ بیان اسناد روایات پیامبرﷺ، دو گونه احتمال دارد:

اول: صاحب کتاب، مشایخ خود را در نقل روایت پیامبرﷺ ذکر نکرده و به‌تبع، کتب اربعه نیز سند را فقط تا صاحب کتاب پیش برده‌اند.

دوم: صاحب کتاب، مشایخ خود را تا پیامبرﷺ ذکر کرده، اما نویسندگان کتب اربعه به دلیلِ اعتماد به صاحب کتاب، معروف بودن منبع (من لایحضره الفقیه، ابن‌بابویه، ۱٤۱۳: ۳/۱) و جلوگیری از طولانی شدن سند از ذکر راویان بعدی خودداری کرده‌اند.

دلیل این دو تصور، تصریح به کلمهٔ «**رفعه**» یا «**باسناده**» در بعضی اسناد و عدم تصریح به این کلمات در اسناد دیگر است؛ یعنی سندی که تصریح به کلمهٔ «**رفعه**» یا «**باسناده**» شده، دلیل وجود راویانی بوده که نویسندهٔ کتاب آن را ذکر کرده، اما صاحبان کتب اربعه نیاورده‌اند. به همین دلیل شهید اول سندی که در آن «**رفعه**» ذکر شده، مسند می‌داند (غایة المراد فی شرح نکت الارشاد، شهید ثانی، ۱٤۲۰: ٥۲۰/۳).[۷] از مجموع ۳٥ راوی صاحب کتاب، ۲۲ راوی با کلمهٔ «رفعه» و یک راوی با واژهٔ

«باسناده» به پیامبرﷺ متصل می‌شوند.[۸] سندی که تصریح به کلمهٔ «رفع» یا «باسناده» نشده، دلیل بر عدم ذکر طریق از خود نویسندهٔ کتاب است که ۱٦ راوی از این ویژگی برخوردارند.[۹] بنابراین آنچه در این دو تصور مشترک است، اعتماد صاحبان کتب اربعه به کتابِ راوی است.

**۲. ذکر سند در کتب یا روایات دیگر**

با جستجو در سایر کتاب‌های صاحبان کتب اربعه و یا تفحص در دیگر روایات، علل دیگری از انگیزه حذف راویان یک سند به‌دست می‌آید که عبارت‌اند از:

الف: گاهی صاحبان کتب اربعه به دلیل ذکر کردن مشیخهٔ راویِ اول[۱۰] در کتاب دیگر خود، از ذکر مجدد آن در کتاب حاضر خودداری کرده‌اند؛ همان گونه که شیخ طوسی در کتاب الاستبصار روایت جابر بن یزید از پیامبرﷺ را بدون واسطه ذکر می‌کند (الاستبصار، طوسی، ۱۳۹۰: ٤۷۱/۱، ح۱۸۱۹)، اما همین روایت در کتاب التهذیب به‌واسطه امام باقر ﷺ نقل شده است (التهذیب، طوسی، ۱۳٦٥: ۱۹۰/۳، ح٤۳٤). بنابراین با توجه به انگیزه شیخ از تألیف کتاب الاستبصار[۱۱] و تألیف آن بعد از کتاب التهذیب، نیازی به ذکر همه اسناد و یا همه راویان یک سند نیست.

ب: صاحبان کتب اربعه با توجه به روایات دیگر راوی اول و مشهور بودن مشایخ راویِ اول، سند را ناقص بیان کرده‌اند؛ برای نمونه، طریق الکافی به عمرو بن جمیع (الکافی، کلینی، ۱۳٦٥: کلینی، ۱۳٦٥: ۳۰۰/٦، ح٥) که همهٔ روایت‌های او از پیامبرﷺ در این کتاب از طریق امام صادق ﷺ است (همان، ۸۳/۲، ۸۷، ۱۱٤، ۲۳۳، ٤٤۲، ٤٤٥، ٤٦۷، ٦۰٤؛ ۳٦۹/۳، ٥۰٤؛ ۳٤/٥، ۷۲، ۱٤۷، ۳۲٥، ٥٦۹؛ ۲۹۷/٦، ۳۰۰، ٥۳۹)، قرینه‌ای است بر این‌که روایت مستقیمِ او از نبیّ اکرمﷺ نیز به‌واسطهٔ امام صادق ﷺ می‌باشد که صاحب الکافی آن را ذکر نکرده است. همچنین با توجه به اینکه همه روایت‌های عبدالله بن سنان که از امام صادق ﷺ است، (الکافی، کلینی، ۱۳٦٥: کلینی، ۱۳٦٥: ۱۲/۱، ۲٥،٥۱، ۱۰۳، ۱۱٤، ٦٥/۲، ۹۰، ۹۲ و...) فهمیده می‌شود روایت مستقیم او از پیامبر اکرمﷺ درباره شرار النساء (الکافی، کلینی، ۱۳٦٥: کلینی، ۱۳٦٥: ۳۲٦/٥.) نیز از طریق ایشان است و ﷺشیخ کلینی به‌خاطر مشهور بودن ابن سنان در نقل روایت امام صادق ﷺ، سند را منقطع آورده است.

**۳. متن‌محور بودن صاحبان کتب اربعه**

یکی دیگر از چرایی ارسال، توجه به مبانی صاحبان کتب اربعه در اخذ حدیث است که علاوه بر نگاه آنان به سند حدیث، توجه غالب ایشان به متن روایات بوده است که نقل حدیث در کتب خود یا با نظر گرفتن قرائنی مانند مطابق‌بودن متن با قرآن و یا هم‌مضمون بودن با احادیث متواتر و قطعی و...

صورت گرفته است؛ یا توجه آنان به موضوع حدیث بوده که اکثر موضوعات روایات مرسل در مـواردی است که توجه نکردن به سند آنها خللی به اصل و ضروریات دین و مذهب نداشته اسـت. در پژوهشـی که نگارنده دربارهٔ موضوع‌شناسی روایات پیامبرﷺ که راویان شیعه آن را نقل کرده‌اند، انجام داده،[۱۲] بـه این نتیجه رسیده که این روایات، بیشتر در موضوعات آداب و اخلاق است و کمتـر بـه باب‌هـای فقهـی (احکام تکلیفی) نظر دارد و هیچ‌کدام از احادیث، در کتاب‌ها و باب‌های عقایدی جـای نگرفته‌انـد.[۱۳] این تحقیق نشان می‌دهد محدثان متقدم، ذکـر کامـل سـند در روایـات غیـر فقهـی و غیـر اعتقـادی را ضروری نمی‌دانستند (الرعایة فی علم الدرایة، شهید ثانی، ۱٤۰۸: ۹٤).[۱٤]

بنابراین، اکثر روایات مرسلی که در کتب اربعه توسط راویان شیعه از پیامبر اکرمﷺ نقل شده، در این محور جای می‌گیرد.

### ۴. وجود اصحاب اجماع یا مشایخ ثقات در سند

برخی از منابع رجالی شیعه نشان می‌دهد که تعدادی از محدثان شیعی در شناخت احادیث، متبحّر و کارآمد بودند تا جایی که اهل‌بیتﻻ شیعیان را به آنها ارجاع می‌دادند؛ این طیف از راویان به اصحاب اجماع لقب گرفته‌اند (رجال الکشی، کشی، ۱۳٤۸: ۳۷۵/۱). هم‌چنین در برخی از کتب شیعه به راویانی[۱۵] اشاره می‌شود و چنین ادعا شده که آنها فقط از ثقه روایت نقل می‌کنند. بنابراین اگر روایتی را مرسل نقل کردند، می‌توان مطمئن شد که در سلسلهٔ سند آنها غیر ثقه وجود نداشته است. این گروه به مشایخ ثقات معروف شده‌اند (العدة فی أصول الفقه، طوسی، ۱٤۱۷: ۱۵٤/۱). این احتمال وجود دارد که صاحبان کتب اربعه در نقل سند، وقتی به اصحاب اجماع و یا مشایخ ثقات رسیده‌اند، با اعتمادِ به این گروه از راویان، سند را ادامه نداده‌اند و یا نهایتا به راوی بعد از اصحاب اجماع بسنده کرده‌اند. برای نمونه در بین راویان احادیث پیامبرﷺ، محمد بن ابی‌عمیر ( الکافی، کلینی، ۱۳٦۵: ٤۳۸/۷) (از مشایخ ثقات و اصحاب اجماع) و عبدالله بن مسکان (همان، ٤۰۸) (از اصحاب اجماع) به چشم می‌خورد. همچنین در سند «**علی عن أبیه عن عبد الله بن المغیرة عن عمرو بن أبی‌المقدام رفعه إلی النبیﷺ قال:...**»، (الکافی، کلینی، ۱۳٦۵: کلینی، ۱۳٦۵: ۱۱۹/۲، ح۷) عبدالله بن المغیرة (رجال الکشی، کشی، ۱۳٤۸: ۵۵٦) از اصحاب اجماع است و مرحوم کلینی بعد از ذکر مشیخه او (عمرو بن أبی‌المقدام ) از ذکر ادامه سند خودداری کرده است. و نیز در سند «**علی بن إبراهیم عن أبیه عن حماد عن حریز رفعه قال: إن رسول اللهﷺ ...**» (الکافی، کلینی، ۱۳٦۵: ۳۳٦/٤، ح۵) حماد بن عیسی از اصحاب اجماع (رجال الکشی، کشی، ۱۳٤۸: ۳۷۵) است و کتاب الکافی بعد از ذکر مشیخه او (حریز)، ادامه سند را نمی‌آورد.

بنابراین، اعتماد به کتاب راوی اول، توجه به اسناد روایات دیگر هم‌مضمون در همان کتاب یا کتب دیگر نویسنده، قراین صحت متن و اعتماد به اصحاب اجماع و مشایخ ثقات می‌توانند از علت‌های ارسال توسط صاحبان کتب اربعه باشد.

## ب) ارسال اسناد از جانب راوی اول

بررسی محتوای روایات رسول اکرمﷺ نشان می‌دهد، برخی ارسال‌ها در سند از سوی راویان اول صورت گرفته است که به نظر می‌رسد هدف و علتِ ارسال از ناحیهٔ آنان، موارد ذیل باشد:

### ۱. ناظر بودن متون روایت‌های مرسل بر فعل پیامبرﷺ

در بررسی انجام‌شده، همهٔ روایت‌هایی که ناظر بر فعل پیامبر است، انقطاع سندی دارند. احتمال می‌رود، راویان به جای این‌که فعل پیامبر اکرمﷺ را از طریق مشایخ خود یا امام معصومؑ نقل کنند، مستقیماً و بدون ذکر واسطه جریان اتفاق‌افتاده در زمان پیغمبر را نقل کرده باشند. ممکن است این نوع بیانِ راویان، بیشتر در مقام خطابه و یا آوردن شاهد و مؤید مطلب باشد. به عبارت دیگر، راوی اول موضوعی را برای شاگردان خود بیان می‌کرده و روایت‌هایی را در رابطه با همان موضوع بازگو می‌نموده و برای تأیید و یا شاهد، به نقل فعل پیامبرﷺ بدون ذکر واسطه پرداخته است و شاگرد نیز با همان بیان، از استاد خود نقل کرده تا به صاحبان کتب اربعه رسیده است.

راویانی[١٦] که فعل پیامبرﷺ را نقل کرده‌اند، عبارت‌اند از: عبدالعظیم حسنی (الکافی، کلینی، ١٣٦٥: ٦٦١/٢، ح ١)، یعقوب بن شعیب (همان، ٣٧٨/٥، ح٦)، عنبسة بن بجاد (همان، ٩١/٤، ح٧)، حریز بن عبدالله سجستانی (همان، ٣٣٦/٤، ح٥)، احمد بن محمد السیاری (همان، ٣٧١/٦، ح٦)، علی بن ابراهیم (همان، ١٥١/٣، ح٤؛ التهذیب، طوسی، ١٣٦٥: ٢٩٠/١، ح٦٤١)، جابر بن یزید الجعفی (الاستبصار، طوسی، ١٣٩٠: ٤٧١/١، ح١٨١٩)، ربعی بن عبدالله الجارود (من لایحضره الفقیه، ابن‌بابویه، ١٤١٣: ٤٦٩/٣، ح٤٣٣٤)، عقبة بن خالد (الکافی، کلینی، ١٣٦٥: ٢٩٥/٥، ح٤؛ التهذیب، طوسی، ١٣٦٥: ١٤٤/٧، ح٦٤١)، احمد بن الحسن المیثمی (الکافی، کلینی، ١٣٦٥: ٢٩٣/٦، ح٨) و محمد بن مسلم (ر.ک: همان، ٣٢٧/٦، ح٩).

### ۲. بیان سببِ صدور روایت

محتوای روایت برخی راویان در نقل روایت پیامبرﷺ، بیان سبب صدور است. «سبب ورود حدیث، یعنی زمینه‌ای که موجب گشته است تا معصوم سخن بگوید و حکمی را بیان و مسئله‌ای را طرح یا ردّ و انکار کند و یا حتی کاری را انجام دهد» (درس‌نامه فهم حدیث، مسعودی، ١٣٨٩: ١١٣).

ممکن است راویِ اول (راوی متصل به پیامبرﷺ) در مقام بیان احادیثی که محتوای بیـان سـبب صـدور دارند، لزومی در ذکر سند کامل ندیده‌اند. گفتنی است، تمام راویانی کـه سـبب صـدور روایـت را نقـل می‌کنند صاحب کتاب‌اند که این نیز دلیلی مضاعف بر ذکر نکردن مشایخ راوی است. زیرا گذشت کـه پذیرش کتاب یک راوی نزد محدثان متقدم در نظام ارزیابی مجموعی، شـامل همـه روایـات (مسـند و مرسل) آن کتاب است. ماننـد احـادیثی کـه راویـان ذیـل نقـل کرده‌انـد: از: اسـماعیل بـن عبـدالخالق (الکـافی، کلینـی، ١٣٦٥: ٥٥١/٢.، ح٣)، معاویـة بـن عمـار (همـان، ٢٢٦/٤، ح٤ و ٢٥٨، ح٢٥)، یعقوب بن شعیب (همان، ٣٧٨/٥، ح٦)، احمد بن محمد بن خالد (همان، ٥٣٤/٥، ح٢)، محمد بـن خالد (همان، ٥٦٨/٥، ح٥٢.)، محمد بن ابی‌عمیر (همان، ٤٣٨/٧، ح١)، معاویة بـن وهـب (همـان، ٤٠٠/٧، باب النوادر، ح١)، سماعة بن مهران (التهذیب، طوسی، ١٣٦٥: ٧، ٣٤٢، ح١٣٩٧)، نضر بن سوید من لایحضره الفقیه، ابن‌بابویه، ١٤١٣: ١٧/٣، ح١٧٤٥)، حمزة بن حمران (من لایحضره الفقیـه، ابن‌بابویه، ١٤١٣: ٤٨٢/٣. سند این روایت در مشیخه ذکر شده است؛ ر.ک: ٥١٢/٤)، و جابر بن یزیـد الجعفی (الاستبصار، طوسی، ١٣٩٠: ٤٧١/١، ح١٨١٩).

البته ممکن است ارسال به‌علت بیان سبب صدور از ناحیه صاحبان کتب اربعه یا دیگر راویان موجـود در سند صورت گرفته باشد که این موارد غالباً با قرینه‌ای همچون ذکر کلمه «رفعه» نشان داده شـده اسـت. مانند احادیثی که از راویانی مانند یحیی ابی‌البلاد (الکـافی، کلینـی، ١٣٦٥: ١٤٦/٢، ح١٠)، حریـز بـن عبدالله السجستانی (همان، ٣٣٦/٤، ح٥)، عبدالرحمن بن الحجـاج (الکـافی، کلینـی، ١٣٦٥: ٥٠٥/٥، ح٣)، محمد بن یحیی العطار (الکافی، کلینی، ١٣٦٥: ٥٦٤/٥، ح٣٦) نقل شده است.

### ٣. اقتضای فضای حاکم

ممکن است راوی اول به دلیل شرایطی که حاکم بر فضای مجلس بوده، واسطه را ذکر نکرده است. فضای حاکم به دو صورت «سیاسی» و «غیر سیاسی» و به عبارت دیگر از ناحیه عوامل «حکـومتی» و «غیر حکومتی» تقسیم می‌شود.

فضای حاکم از ناحیهٔ عوامل حکومتی را می‌توان این‌گونه تصور کرد: راوی اول از ترس آسیب رساندن حاکمیت ضد شیعی وقت، از ذکر واسطه خودداری و تقیه کرده است. مصـداق روشـن عامـل حکـومتی، دورهٔ منعِ تدوین و نقل حدیث است. هرچند شـیعه، دسـتور منـع را قـانونی لازم‌الاجـرا ندیـد، بی‌شـک از آسیب‌های آن در امان نماند. یکی از ضررهای این پدیدهٔ شوم، دسترسی کمتر به روایات پیامبرﷺ از طریـق اصحاب شیعی است. طبقه‌شناسـی راویـان موجـود در اسـناد شـیعی و منقطـع روایـات پیـامبرﷺ نشـان می‌دهد، بیشتر راویانی که مستقیماً از آن حضرت حدیث نقل کرده‌اند، در طبقهٔ امام صادق ﷺ و یـا پـیش

از ایشان است. از مجموع ٤٤ راوی احادیث رسول خدا در کتب اربعه، ۳۰ راوی هم‌عصر و یا پیش از امام صادق می‌زیستند.[۱۷] عصر امام باقر با پایان دورهٔ منع نقل و تدوین حدیث مصادف است؛ ازاین‌رو ممکن است قانون منع نقل و تدوین حدیث، در عدم ذکر یا ذکر کامل سند از سوی راویان، اثر داشته است. همچنین چهارده راوی دیگری که بعد از عصر امام صادق می‌زیستند از خفقان حکومتی بیشتری برخوردار بودند که احتمال تقیه و ارسال اسناد را در پی داشته است.

گاهی راویان در فضای خطابه و یا ذکر حدیث به‌سبب عوامل غیر حکومتی، سند حدیث را ذکر نکرده‌اند؛ برای نمونه به دو احتمال ذیل توجه شود:

اول: مخاطبان حاضر در مجلس، این روایت را پیش‌تر از طرق گوناگون شنیده‌اند و حکایت راویِ اول از باب تذکر و یادآوری است و ذکر راویان واسطه را لازم نمی‌داند.

دوم: راویِ اول، روایت را از واسطهٔ فاسد المذهب شنیده و با دسترسی به قراین دیگر، روایت را صحیح دانسته است، اما در آن مجلس اگر اسم او را ذکر کند، در معرض اتهام «نقل از ضعفا» قرار می‌گیرد و به همین جهت، از ذکر راویِ واسطه در بیان حدیث نبوی خودداری کرده است.

در هر صورت، صاحبان کتب اربعه با اعتمادی که به راوی اول (راوی متصل به پیامبر) داشته‌اند، روایت را با همان سند منقطعی که به دستشان رسیده، ذکر کرده‌اند؛ ازاین‌رو موقعیت راوی و تاریخ صدور و نقل روایت را باید شناخت.

بنابراین، سه علتِ ذکرشده می‌تواند در ارسال سند از جانب راوی اول باشد، این علل هرچند به‌صورت فرضیه ذکر شد اما علت سوم که فضای نقل روایت را از جانب راوی اول بیان می‌کند، بیشترین نقش را در ارسال سند دارد که همین امر سبب می‌شود به‌عنوان یک احتمال به آن نگاه نشود بلکه یکی از علت‌های اصلی ارسال شمرده شود که لازم است پژوهش بیشتری در تحلیل آن انجام گیرد.

## ج) عوامل خارجی ارسال اسناد

ارسال اسناد روایات پیامبر گاهی عامل‌های خارج از متصدیان کتاب و روایت دارد. عوامل طبیعی یا بشری، عمدی یا غیر عمدی از علت‌های ارسال سند روایت است. در این‌جا به دو نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود.

### ۱. اختلاف نسخ

گاهی سند روایت در نسخه‌ای متصل به معصوم ذکر شده، اما در نسخهٔ دیگر به دلیل اشتباه از سوی نسخه‌نویس، نامِ معصوم نوشته نشده است که در این صورت، انفصال سند از سوی مؤلف کتاب

نیست؛ همان‌گونه که دربارۀ طریق «عبدالله بن سنان» این‌گونه است. این طریق، در نسخۀ الکافی که دارالکتب الاسلامیه چاپ کرده است، راوی مستقیماً از پیامبرﷺ نقل می‌کند (الکافی کلینی، ١٣٦٥: ٣٢٦/٥، ح٢)، اما نسخه‌هایی که مؤسسه دارالحدیث در تصحیح این کتاب استفاده کرده، راوی با واسطۀ امام صادق علیه السلام از نبیّ مکرم اسلام روایت را نقل می‌کند (الکافی، کلینی، ١٤٢٩، ٥٧٥/١٠، ح٩٤٤٣) هم‌چنین روایت معاویة بن عمار از پیامبر اکرمﷺ درباره «ثواب حج و عمره» (الکافی، کلینی، ١٣٦٥: ٢٥٨/٤) در کتاب الوافی به واسطه امام معصوم علیه السلام به آن حضرت متصل می‌شود (الوافی، فیض کاشانی، ١٤٠٦: ٢٢٧/١٢). اما در کتاب مرآة العقول بدون واسطه نقل شده است (مرآة العقول، مجلسی، ١٤٠٤: ١٣٠/١٧). درحالی که هر دو کتاب از الکافی این حدیث را نقل می‌کنند؛ ازاین‌رو احتمال می‌رود نسخۀ الکافی نزد مرحوم فیض غیر از نسخۀ علامه مجلسی است.

### ٢. از بین رفتن اسناد

برخی اسناد ممکن است به‌سبب عوامل طبیعی، مانند موریانه و رطوبت از بین رفته باشد. این امر موجب می‌شود روایِ اول و یا شاگردانش، روایات پیامبرﷺ را از حفظ بیان کنند؛ همان‌گونه که نجاشی دربارۀ محمد بن ابی‌عمیر می‌گوید: او توسط هارون الرشید زندانی شد و برای در امان ماندن احادیث، آن‌ها را در مکانی پنهان کرد که بر اثر مرور زمان نم کشید و از بین رفت. محمد بن ابی‌عمیر از حفظ روایت می‌کرد (رجال النجاشی، نجاشی، ١٤٠٧: ص٣٢٨). محدثان معتقدند، ابن ابی‌عمیر از غیر ثقه روایت نقل نمی‌کرد و مرسلات او معتبر است؛ بنابراین ارسال در اسناد روایات محمد بن ابی‌عمیر به‌علت فشارهای سیاسی و اتفاقات طبیعی وجود آمده است (بررسی اعتبار احادیث مرسل، محمد حسن ربانی، ١٣٨٩: ٨٥ و ٢٦٧).

بنابراین اشتباه عمد یا غیر عمد ناسخان در نوشتن احادیث و عوامل طبیعی، دو علت دیگر ارسال برخی از اسناد روایات پیامبرﷺ است. به نظر می‌رسد با تحلیل بیان‌شده در این بخش، دو علت مذکور، صرفاً یک احتمال نباشد، بلکه ریشه در واقعیت داشته باشد.

بنابراین، ارسال روایات نبیّ مکرم اسلامﷺ از جانب سه گروهِ صاحبان کتب اربعه، راویان روایت و عوامل خارجی انجام شده است. هرکدام از عوامل، متأثر از علت‌ها و اهدافی بوده‌اند که با توجه به تاریخ حدیث، اسناد، راوی و موضوع روایات پیامبرﷺ نُه علت بیان شد. از مجموع آن‌ها، برخی علت‌ها از قوّت بیشتری برخوردارند که عبارت‌اند از مواردی که از جانب صاحبان کتب اربعه و عوامل خارجی ایجاد شده است. در بین همۀ علت‌ها، اعتماد به راویِ صاحب کتاب، قوی‌ترین و مهم‌ترین دلیل ارسال احادیث پیامبرﷺ است.

## نتیجه‌گیری

۱ـ با بررسی‌های به‌عمل‌آمده، سه عامل در چرایی ارسال اسناد نقش داشته‌اند که عبارت‌اند از: صاحبان کتب اربعه، راویِ اول روایت پیامبرﷺ و عوامل خارجی طبیعی و غیر طبیعی.

۲ـ نزد علمای قدیم، کتاب راویِ شیعی از اعتماد قابل‌توجهی برخوردار است و پیش‌بردن سند تا راوی صاحب کتاب از روش‌های محدثان متقدم است. صاحبان کتب اربعه نیز از این شیوه در ذکر سند حدیث پیامبرﷺ استفاده کرده‌اند. اعتماد به کتاب راوی، از مهم‌ترین دلایل ارسال اسناد است.

۳ـ به‌نظر می‌رسد علمای متقدم، بررسی اسناد و ذکر کامل سند حدیث در موضوعات غیر فقهی و غیر اعتقادی را ضروری نمی‌دانستند؛ بلکه هم‌مضمونی محتوای احادیث مرسل با سایر احادیث شیعه، در نقل این‌گونه روایات کافی بوده است.

٤ـ بعضی از روایت‌هایی که گزارش از فعل پیامبرﷺ می‌دهد و یا محتوای آن بیان‌گر سبب صدور حدیث است، دارای ارسال سند می‌باشد؛ به نظر می‌رسد راویان، در مقام خطابه و یا استشهاد از این گونه روایات استفاده کرده‌اند.

۵ـ وقایع تاریخی مانند دورهٔ منع نقل و تدوین حدیث و یا اقدامات سیاسی و ضد شیعی، از دلایل اثرگذار در ارسال اسناد است.

٦ـ اشتباه عمدی و یا غیر عمدی ناسخان کتب اربعه می‌تواند در چراییِ ارسال سند دخیل باشد.

۷ـ عوامل طبیعی و مشکلات استنساخ و خطاهای انسانی یکی دیگر از علل ارسال سند است.

۸ ـ برای سنجش اعتبار روایت، اعتماد کامل به راوی لازم نیست بلکه می‌توان با قرائنی دیگر نیز به صحت روایت، دست یافت.

۹ـ برخی سندها، چند فرض از چرایی ارسال اسناد را دارا بودند که ممکن است همه یا برخی از آن‌ها، مدنظر صاحبان کتب اربعه در آوردن اسناد منقطع بوده است.

۱۰ـ هرکدام از نُه علت مذکور می‌تواند پاسخ به شبهه کم‌توجهی شیعه به اسناد روایات پیامبرﷺ باشد.

## پی‌نوشت‌ها

[١] آماری که در این مقاله ارائه می‌شود، به کمک نرم‌افزار «**دراية النور**» است.

[٢] **المرسل ما رواه عن المعصوم من لم يدركه بغير واسطة، أو بواسطة نسيها أو تركها.** و قد يسمى **منقطعا** و **مقطوعا بإسقاط واحد**، و **معضلا بإسقاط أكثر** (ذكرى الشيعة في أحكام الشريعة، شهید اول، ١٤١٩: ١/٤٨).

[٣] همچنین برای مطالعه بیشتر به مقاله «نقد پنداره رویگردانی محدثان شیعه از اسناد»، مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره٢٧، صفحه ١٣١ رجوع شود.

[٤] لازم به ذکر است، هرکدام از علل مذکور در مقاله حاضر یک فرضیه بوده و به‌صورت اجمالی بیان شده است. خود به‌تنهایی می‌تواند موضوع یک مقاله پژوهشی باشد.

[٥] برای نمونه، شیخ صدوق در مقدمۀ کتاب من لایحضره الفقیه می‌نویسد: «تمامی آنچه در این کتاب ذکر شده، از اصول مشهور و معروفی دریافت شده که مورد اعتمادند» (من لایحضره الفقیه، ابن‌بابویه، ١٤١٣: ١/٣).

[٦] راویان مستقیم ناقل روایت پیامبر در کتب اربعه که صاحب کتابند، عبارتند از: محمد بن جمهور (فهرست الطوسی، طوسی، بی‌تا، ٤١٣)، یحیی بن عمران (رجال النجاشی، نجاشی، ١٤٠٧: ٢٣١)، عمرو بن ابی‌المقدام (رجال النجاشی، نجاشی، ١٤٠٧: ٢٩٠)، عبیدالله بن ولید (رجال النجاشی، نجاشی، ١٤٠٧: ٢٣١)، اسماعیل بن عبدالخالق (فهرست الطوسی، طوسی، بی‌تا، ٣٤)، عبدالعظیم بن عبدالله (فهرست الطوسی، طوسی، بی‌تا، ٢٤٧)، عنبسة بن بجاد (فهرست الطوسی، طوسی، بی‌تا، ٣٤٥)، معاوية بن عمار (رجال النجاشی، نجاشی، ١٤٠٧: ٤١١)، حریز بن عبدالله (فهرست الطوسی، طوسی، بی‌تا، ١٦٢)، عبدالله بن سنان (رجال النجاشی، نجاشی، ١٤٠٧: ٢١٤)، یعقوب بن شعیب (رجال النجاشی، نجاشی، ١٤٠٧: ٤٥٠)، عبدالرحمن بن حجاج (فهرست الطوسی، طوسی، بی‌تا، ٣١٠)، احمد بن محمد بن خالد (فهرست الطوسی، طوسی، بی‌تا، طوسی، بی‌تا، ٥٢)، محمد بن خالد البرقی (رجال النجاشی، نجاشی، ١٤٠٧: ٢٣٥)، محمد بن ابی‌عمیر (فهرست الطوسی، طوسی، بی‌تا، ٤٠٥)، عمرو بن شمر (رجال النجاشی، نجاشی، ١٤٠٧: ٢٨٧)، احمد بن حسن المیثمی (فهرست الطوسی، طوسی، بی‌تا، ٥٥.)، محمد بن مسلم الثقفی (رجال النجاشی، نجاشی، ١٤٠٧: ٣٢٣ـ٣٢٤)، حسن بن راشد (فهرست الطوسی، طوسی، بی‌تا، ١٣٧)، معاوية بن وهب (رجال نجاشی،٤١٢)، عبدالله بن مسکان (رجال النجاشی، نجاشی، ١٤٠٧: ٢١٥)،

عبدالله بن طلحه (رجال النجاشی، نجاشی، ۱٤۰۷: ۲۲٤)، علی بن اسباط (رجال النجاشی، نجاشی، ۱٤۰۷: ۲۵۳)، سماعة بن مهران (رجال النجاشی، نجاشی، ۱٤۰۷: ۱۹۳)، نضر بن سوید (رجال النجاشی، نجاشی، ۱٤۰۷: ٤۵۰)، حمزة بن حمران (فهرست الطوسی، طوسی، بی‌تا، ۱٤٦)، عبدالله بن محمد بن الحجال (رجال الطوسی، طوسی، ۱۳۸۱: ۳٦۰)، سهل بن زیاد (فهرست الطوسی، طوسی، بی‌تا، ۲۲۸)، احمد بن محمد بن السیاری (رجال النجاشی، نجاشی، ۱٤۰۷: ۸۰)، علی بن ابراهیم (رجال النجاشی، نجاشی، ۱٤۰۷: ۲٦۰)، محمد بن یحیی العطار (رجال النجاشی، نجاشی، ۱٤۰۷: ۳۵۳)، اسماعیل بن زیاد السکونی (رجال النجاشی، نجاشی، ۱٤۰۷: ۲٦)، جابر بن یزید الجعفی (فهرست الطوسی، طوسی، بی‌تا، طوسی، بی‌تا، ۱۱٦)، ربعی بن عبدالله الجارود (فهرست الطوسی، طوسی، بی‌تا، ۱۹۵) و عقبة بن خالد (رجال النجاشی، نجاشی، ۱٤۰۷: ۲۹۹).

[۷] برخی سندی که تصریح به واژه «رفع» شده، مرسل به معنی عام دانسته‌اند. توضیح اینکه، راوی صاحب کتاب نیز سند را به‌صورت مرسل ذکر کرده است.(ر.ک: مقباس الهدایه، مامقانی، ۱۳۵۳: ۲۰۷/۱). برای مطالعه بیشتر درباره کلمه «رفع» به کتاب بررسی اعتبار احادیث مرسل صفحات ۵۳-٤۱ مراجعه شود.

[۸] راویان صاحب کتاب که با کلمهٔ «رفع» به پیامبر متصل می‌شوند، عبارتند از: محمد بن جمهور (الکافی، کلینی، ۱۳٦۵: ۵٤/۱، ح۲)، یحیی بن عمران الحلبی(همان، ۱۱٤/۲، ح ۷)، عمرو بن ابی‌القدام (همان، ۱۱۹/۲، ح۷)، عبیدالله بن ولید(همان، ۵۱۷/۲، ح۲)، حریز بن عبدالله(همان، ۳۳٦/٤، ح۵)، عبدالعظیم بن عبدالله(همان، ٦٦۱/۲، ح۱)، عبدالرحمن بن حجاج(همان، ۵۰۵/۵، ح۳)، محمد بن خالد البرقی(همان، ۵٦۸/۵، ح۵۲)، محمد بن ابی‌عمیر(همان، ٤۳۸/۷، ح۱)، عمرو بن شمر(همان، ۲٦۸/٦، ح۱)، احمد بن حسن المیثمی(همان، ۲۹۳/٦، ح۸)، احمد بن محمد السیاری(همان، ۳۷۱/٦، ح٦)، عبدالله بن مسکان(همان، ٤۰۸/۷،ح ۳)، عبدالله بن طلحه(همان، ۲۷۲/۸، ح٤۰۳)، احمد بن محمد بن خالد(همان، ۵۳٤/۵، ح۲)، نضر بن سوید(من لایحضره الفقیه، ابن‌بابویه، ۱٤۱۳: ۱۷/۳،ح۳۲٤۵)، عبدالله بن محمد الحجال(الکافی، کلینی، ۱۳٦۵: ٤۱/۱، ح۸)، محمد بن یحیی(همان، ۵٦٤/۵، ح۳٦)، سهل بن زیاد(همان، ۱۲/٦، ح٤)، علی بن ابراهیم عن ابیه(همان، ۱۵۱/۳، ح٤؛ التهذیب، طوسی، ۱۳٦۵: ۲۹۰/۱،ح۱۳)، علی بن اسباط(همان، ۱۵۳/۵، ح۱۱) و راوی صاحب کتاب که با کلمهٔ «باسناده» به پیامبر متصل می‌شود، حمزة بن حمران (من لایحضره الفقیه، ابن‌بابویه، ۱٤۱۳: ٤۸۲/۳، ح٤٦۹۷) است.

[۹] راویان صاحب کتاب که بدون کلمهٔ «رفع» یا «باسناده» به پیامبر متصل می‌شوند، عبارتند از: اسماعیل بن عبدالخالق(الکافی، کلینی، ۱۳٦٥: ٥٥١/۲، ح۳)، عنبسة بن بجاد(همان، ۹۱/٤، ح ۷)، معاویة بن عمار(همان، ۲۲٦/٤، ح ٤)، عبدالله بن سنان(همان، ۳۲٦/٥، ح٥)، یعقوب به شعیب(همان، ۳۷۸/٥، ح٦)، احمد بن محمد بن خالد(همان، ٥۳٤/٥، ح۲)، ولید بن صبیح(همان، ٥٥٤/٥، ح۲)، عمرو بن جمیع(همان، ۳۰۰/٦، ح ٥)، حسین بن راشد(همان، ٤۹۰/٦، ح۱)، معاویة بن وهب(همان، ٤۰۰/۷، ح۱)، سماعة بن مهران(التهذیب، طوسی، ۱۳٦٥: ۳٤۲/۷، ح۲۸)، اسماعیل بن ابی‌زیاد السکونی(الکافی، کلینی، ۱۳٦٥: ٤۹۱/٦،ح۱٥)، جابر بن یزید(همان، ۱٦۳/۲، ح۲۰)، ربعی بن عبدالله بن الجارود(من لایحضره الفقیه، ابن‌بابویه، ۱٤۱۳: ٤٦۹/۳، ح٤٦۳٤) و عقبة بن خالد(الکافی، کلینی، ۱۳٦٥: ۲۹٥/٥، ح٤؛ التهذیب، طوسی، ۱۳٦٥: ۱٤٤/۷).

[۱۰] منظور راویی است که در سند منقطع، حدیث پیامبرﷺ را مستقیماً و بدون ذکر واسطه نقل کرده است.

[۱۱] درخواست علماء مبنی بر نگارش کتاب دیگری که تا در آن احادیث و روایات مخالف را جمع آوری کرده و به بررسی و جمع میان آنها و یا تعیین روایات معتبر بپرداخته شود. (ر.ک: الاستبصار، طوسی، ۱۳۹۰: ۲/۱)

[۱۲] ر.ک: پایان نامه «بررسی تحلیلی اسناد روایات پیامبر اکرم ا در کتب اربعه»، مرکز تخصصی علوم حدیث.

[۱۳] برای مطالعه احادیث پیامبر ا با سند مرسل و شناخت موضوعات آنها به آدرس‌های ذیل مراجعه کنید:

موضوعات فقهی: الکافی، کلینی، ۱۳٦٥: ٥۳٤/٥، ح۲. من لایحضره الفقیه، ابن‌بابویه، ۱٤۱۳: ٤٦۹/۳، ح٤٦۳٤. التهذیب، طوسی، ۱۳٦٥: ۳٤۲/۷، ح۲۸. الکافی، کلینی، ۱۳٦٥: ٤۰۰/۷، ح۱. همان/٤۰۸، ح۳. من لایحضره الفقیه، ابن‌بابویه، ۱٤۱۳: ۱۷/۳، ح۳۲٤٥. الکافی، کلینی، ۱۳٦٥: ۲۹٥/٥، ح٤؛ التهذیب، طوسی، ۱۳٦٥: ۱۱٤/۷.

موضوعات اخلاقی: التهذیب، طوسی، ۱۳٦٥: ۳۲٦، ح۲. همان، ٥۰٥، ح۳. همان، ٥٥٤، ح۲. همان، ٥٦٤،ح۳٦. همان، ۱۰۷/۲، ح۲. همان/۱۱٤، ح۷. همان، ۱۱۹، ح۷. همان، ۱۱۹، ح۱۰. همان، ۲٦۸/٦، ح۱.

موضوعات آداب: ر.ک: التهذیب، طوسی، ۱۳٦٥: ۱٥۱/۳، ح٤؛ التهذیب، طوسی، ۱۳٦٥: ۲۹۰/۱، ح۱۳. الکافی، کلینی، ۱۳٦٥: ۳۳٦/٤، ح ٥. التهذیب، طوسی، ۱۳٦٥: ٥٦/۲، ح۱۰٦. الاستبصار، طوسی، ۱۳۹۰: ٤۷۱/۱، ح۱۸۱۹. الکافی، کلینی، ۱۳٦٥: ۳۰۰/٦، ح٥. همان، ۳۱۸،

ح۸. همان،۲۹۳، ح۸. همان، ۳۷۱، ح٦. همان، ۴۸۲، ح۱۲. همان، ۴۹۰، ح۱. همان، ٤٩١. همان، ۱۲، ح٤. همان، ٦٦١/٢، ح۱. همان، ٥٥١/٢، ح۳. همان، ٥١٢/٢، ح۲. همان،٤٨٩/٦، ح٦.

موضوعات فضایل: ر.ک: الکافی، کلینی، ١٣٦٥: کلینی، ١٣٦٥: ٣٧٨/٥، ح٦. من لایحضره الفقیه، ابن‌بابویه، ١٤١٣: ٤٨٢/٣، ح٤٦٩٧. الکافی، کلینی، ١٣٦٥: ٢٢٦/٤، ح٤. ر.ک: همان، ٢٥٨، ح٢٥. همان،٥٤٨، ح٤؛ التهذیب، طوسی، ١٣٦٥: ٤/٦، ح٧. همان، ٢٣٦/٢، ح٢. الکافی، کلینی، ١٣٦٥: ١٨/٦، ح٣؛ التهذیب، طوسی، ١٣٦٥: ٢١٦/٨، ح٣.

الکافی، کلینی، ١٣٦٥: ٩١/٤، ح٧. همان، ٢٧٢/٨، ح٤٠٣. همان، ٤١/١، ح٨. همان،١٢، ح١١. همان،٥٤، ح٢. همان، ٤٣٨/٧، ح١.

[١٤] همچنین مرحوم نایینی در ذیل تسامح در ادله سنن می‌گوید: مراد از تسامح در ادله سنن اسقاط شرایط حجیت خبر در باب مستحبات یعنی عدم اشتراط عدالت و وثاقت در راوی اخبار مستحبات است. نیز مرحوم صدر به مکروهات نیز تعمیم داده و شیخ انصاری این قاعده را در مورد روایات مواعظ و قصص نیز جاری کرده است (ر.ک: مقاله «تسامح فضائل‌نگاران در روایات فضائل اهل‌بیت(ع)»، رحمان‌ستایش، ١٣٩٣: ١/ ١٤).

[١٥] برای نمونه: محمد بن ابی‌عمیر، صفوان بن یحیی و احمد بن محمد بن ابی‌نصر بزنطی.

[١٦] منظور راویانی است که در سند منقطع، فعل پیامبر(ص) را مستقیماً و بدون ذکر واسطه نقل کرده‌اند.

[١٧] راویان روایات رسول خدا ا که پیش از عصر امام صادق(ع) یا هم‌عصر با آن حضرت می‌زیستند عبارتند از: ابواسحاق السبیعی (رجال الطوسی، طوسی، ١٣٨١: ٩٦) یحیی بن عمران (خلاصة الاقوال، ٨٢)، عبیدالله بن ولید (رجال النجاشی، نجاشی، ١٤٠٧: ٢٣١)، عنبسة العابد(رجال الطوسی، طوسی، ١٣٨١: ٢٦١)، معاویة بن عمار (رجال النجاشی، نجاشی، ١٤٠٧: ٤١١)، عبدالله بن سنان (رجال النجاشی، نجاشی، ١٤٠٧: ٢١٤)، یعقوب بن شعیب (رجال النجاشی، نجاشی، ١٤٠٧: ٤٥٠)، عبدالرحمن بن حجاج (فهرست الطوسی، طوسی، بی‌تا، ٣١٠)، عمرو بن شمر (رجال النجاشی، نجاشی، ١٤٠٧: ٢٨٧)، محمد بن مسلم الثقفی(رجال النجاشی، ٣٢٣-٣٢٤)، حسن بن راشد(فهرست الطوسی، طوسی، بی‌تا، ١٣٧)، معاویة بن وهب (رجال نجاشی، ٤١٢)، عبدالله بن مسکان (رجال النجاشی، نجاشی، ١٤٠٧: ٢١٥)، عبدالله بن طلحه (رجال النجاشی، نجاشی، ١٤٠٧: ٢٢٤)، حمزة بن حمران (فهرست الطوسی، ١٤٦)، اسماعیل بن زیاد السکونی (رجال الطوسی، طوسی، ١٣٨١: ١٦٠)، جابر بن یزید الجعفی (الفهرست الطوسی، طوسی، بی‌تا، ١١٦)، ربعی بن عبدالله الجارود (فهرست الطوسی، طوسی، بی‌تا، ١٩٥)، عقبة بن خالد

Journal of Comparative Hadith Sciences, Autumn and Winter 2021, 7(13), P: 111-128
'Why Shiite narrations of the Holy Prophet in "four books" are mursal (munqati)
Ali Farahmandian

(رجال النجاشی، نجاشی، ۱٤۰۷: ۲۹۹)، عنبسة بن سعید (المحاسن، ۱/ ۱۷۱)، ابوالبلاد (رجال الطوسی، طوسی، ۱۳۸۱: ۳۲۱)، ولید بن صبیح الکوفی (رجال النجاشی، ٤۳۱)، قیس بن اسماعیل (رجال الطوسی، طوسی، ۱۳۸۱: ۲۷۲)، عمرو بن ابی‌مقدام (رجال الطوسی، طوسی، ۱۳۸۱: ۲٤۸)، عمرو بن جمیع (رجال الطوسی، طوسی، ۱۳۸۱: ۲۵۱.)، سماعة بن مهران (رجال الطوسی، طوسی، ۱۳۸۱: ۳۳۱)، یحیی الکاهلی (رجال النجاشی، نجاشی، ۱٤۰۷: ٤۵۰)، حریز بن عبدالله السجستانی (رجال النجاشی، نجاشی، ۱٤۰۷: ۱٤۵)، عبیدالله العرزمی (التهذیب، طوسی، ۱۳٦۵: ۳/٥٦و ٤۰) و المعلی ابوشهاب (به قرینهٔ شاگردش، عثمان بن عیسی الکلابی؛ رجال الطوسی، طوسی، ۱۳۸۱: ۳٤۰).

## منابع

۱. ابن‌بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، قم: جامعهٔ مدرسین حوزه علمیه قم، ۱٤۱۳ق.
۲. ابن‌تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، منهاج السنة النبویة فی نقض کلام الشیعة و القدریة، تحقیق: محمد رشاد سالم، جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامیه، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
۳. ربانی، محمدحسن، بررسی اعتبار احادیث مرسل، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۹ش.
٤. رحمان‌ستایش، محمدکاظم، طباطبایی حکیم، سید حیدر، «تسامح فضائل‌نگاران در روایات فضائل اهل‌بیت علیهم‌السلام»، پژوهش‌نامه علوم حدیث تطبیقی، شماره ۱، پاییز و زمستان، ۱۳۹۳ش.
۵. شاه‌حسینی، علی، معیار اعتبار سنجی روایات از منظر قدما، راهنما: دکتر هادی حجت، مشاور: استاد سید علیرضا حسینی، قم: دانشکده علوم حدیث، ۱۳۸۹ش.
٦. شهید اول، محمد بن مکی، ذکری الشیعة فی أحکام الشریعة، قم: موسسهٔ آل البیت علیهم‌السلام، ۱٤۱۹ق.
۷. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی بن أحمد العاملی، الرعایة فی علم الدرایة، قم: کتابخانهٔ آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱٤۰۸ق.
۸. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، غایة المراد فی شرح نکت الارشاد، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، ۱٤۲۰ق.
۹. طوسی، محمد بن الحسن، رجال الطوسی، نجف: حیدریه، ۱۳۸۱ق.
۱۰. طوسی، محمد بن الحسن، فهرست الطوسی، نجف: المکتبة المرتضویه، بی‌تا.
۱۱. طوسی، محمد بن حسن، الإستبصار، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۹۰ش.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن، العدة فی أصول الفقه، تحقیق: محمّدرضا انصاری، قم: ستاره، ۱٤۱۷ق.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳٦۵ش.
۱٤. فیض کاشانی، الوافی، اصفهان: کتابخانهٔ امام امیرالمومنین علی علیه‌السلام، ۱٤۰٦ق.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳٦۵ش.
۱٦. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ۱٤۲۹ق.
۱۷. کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی، مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۳٤۸ش.
۱۸. مامقانی، عبدالله، مقباس الهدایة، قم: موسسه آل البیت علیهم‌السلام، ۱۳۵۳ق.

۱۹. مجلسی، علامه محمدباقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محقق: رسول محلاتی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱٤۰٤ق.
۲۰. مجلسی، محمدتقی، روضة المتقین، قم: بنیاد فرهنگ اسلامی حاج محمدحسین کوشانپور، ۱٤۰٦ق.
۲۱. مسعودی، عبدالهادی، درس‌نامه فهم حدیث، قم: انتشارات زائر، ۱۳۸۹ش.
۲۲. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم: جامعهٔ مدرسین، ۱٤۰۷ق.